

قصه‌های عاشقانه‌ی

هالیوود

داستان‌های عاشقانه‌ی واقعی از
روزهای طلایی پرده‌ی نقره‌ای

جیل پال

مترجم: نیلوفر امن‌زاده



فهرست

داگلاس فربنکس و مری پیکفورد

صفحه‌ی ۲۰

داگ و مری - اولین زوج ستاره‌ی هالیوودی - آن‌قدر معروف بودند که وقتی در ۱۹۲۰ به ماه عسل رفتند، تجمع طرفداران برای دیدنشان آن‌قدر زیاد بود که اغتشاشاتی در پاریس و لندن رخ داد.

رودولف و النیتو و ناتاشا راجووا

صفحه‌ی ۳۲

نام مستعار ناتاشا «قندیل یخ» بود؛ اما ظاهر یخی او وقتی آب شد که به رودولف احساساتی و دل‌تنگ که از وطنش ایتالیا دور مانده بود نزدیک شد.

جان کیلرت و گرتا گارپو

صفحه‌ی ۴۴

گرتا به خاطر خودخواه و پیش‌بینی‌ناپذیر بودنش جان را عصبانی می‌کرد، اما رابطه‌ی آن‌ها صمیمی‌ترین رابطه‌ای بود که گرتا در تمام عمرش تجربه کرد.

کلارک گیبل و کارول لوچارد

صفحه‌ی ۵۶

کلارک مشهورترین خوش‌گذران هالیوود بود و کارول زن باهوش و باسیاستی بود که او را رام کرد - حداقل مدتی!

اسپنسر تریسی و کاترین هپبورن

صفحه‌ی ۶۸

این فوق‌العاده است که کاترین و اسپنسر توانستند رابطه‌ی ۲۶ ساله‌شان را از همسر اسپنسر مخفی نگه دارند. این‌که کاترین مغرور حاضر شد نقش دوم را قبول کند هم باورنکردنی‌ست.

لارنس اولیور و ویوین لی

صفحه‌ی ۸۰

ویوین و لری زوج طلابی تئاتر انگلیس بودند و در اواخر دهه‌ی سی نامشان آمریکا را پر کرده بود. البته بعد از ازدواجشان این شهرت کاهش یافت.

فدریکو فلینی و جولیتا ماسینا

صفحه‌ی ۹۲

فلینی نابغه‌ی نظیر سینمای ایتالیا بود و جولیتا عشق و همسر فداکارش. اما این رابطه پشت درهای بسته اصلاً آن چیزی نبود که به نظر می‌رسید.

همفری بوگارت و لورن پاکال

صفحه‌ی ۱۰۴

یتی و بوگی اولین زوج فیلم نوآر هالیوود بودند و با رابطه‌شان به مردم یاد دادند که تفاوت سنی در خوش‌بختی تأثیری ندارد.

روبرتو روسالینی و اینگرید برگمن

صفحه‌ی ۱۱۶

روبرتو دیوانه‌ی لبخند اینگرید شده بود و عقیده داشت که این لبخند «کالیفرنای جنوبی را روشن می‌کند». اما جامعه‌ی آمریکایی از رابطه‌ی آن‌ها وحشت‌زده بود.

فرانک سیناترا و آوا گاردنر

صفحه‌ی ۱۲۸

فرانک و آوا وقتی که رابطه‌شان را شروع کردند هر دو معتاد به خوش‌گذرانی بودند، یکی از دوستانشان می‌گفت این رابطه مثل «نزدیک کردن یک کبریت روشن به نازق است.»

ایو جونتان و سیمون سینوره

صفحه‌ی ۱۴۰

عشق که بهترین تجربه‌ی زندگی ایو و سیمون بود، در یک نگاه اتفاق افتاده بود. اما این عشق در سایه‌ی حضور مشهورترین الهه‌ی هالیوود لکه‌دار شد.

آرتور هیلر و مریلین مونرو

صفحه‌ی ۱۵۲

«روشن‌فکر با ساعت‌شبی عروسی می‌کند.» این تیتیر یک روزنامه‌دمرورد ازدواج مریلین و آرتور بود؛ ازدواجی که هیچ‌کس انتظار دوامش را نداشت. البته کسی هم نمی‌توانست پیش‌بینی کند که این ازدواج چه فاجعه‌بار تمام می‌شود.

ریچارد برتون و الیزابت تیلور

صفحه‌ی ۱۶۴

واتیکان تیلور را محکوم کرد و کنگره‌ی آمریکا سعی کرد از بازگشت او به کشور جلوگیری کند، اما عشق ریچارد و الیزابت آتشین و توقف‌ناپذیر بود.

استیو مک‌کوین و الی هگنرو

صفحه‌ی ۱۷۶

استیو در دهه‌ی هفتاد شخصیت منفی محبوب هالیوود بود و الی، ستاره‌ی مشهورترین فیلم گریه‌دار؛ اما سرنوشت مقدر کرده بود که قصه‌ی عشق آن‌ها طوفانی باشد.

ازدواج‌های هالیوودی جنجال‌برانگیز هستند و همیشه همین‌طور بوده‌اند. ستون‌های شایعات و تیتراهای روزنامه‌ها آغاز رابطه‌ها را با بوق و کرنا اعلام می‌کنند، حرف‌های زوج‌ها در مورد عشق نامیرای‌شان را نقل می‌کنند، عکس‌های درخشان عروسی را چاپ می‌کنند، و بعد به شمارش معکوس روزهای باقی‌مانده تا درهم‌پاشیدن این ازدواج‌ها می‌پردازند. میکی رونی، لانا ترنر و الیزابت تیلور هرکدام هشت بار ازدواج کردند و هر ستاره‌ی هالیوودی در «دوران طلایی هالیوود» (که زمان آن از ۱۹۲۷ تا حدود سال‌های ۱۹۴۸ یا ۴۹ است) به طور میانگین سه یا چهار بار ازدواج کرده است. با توجه به این‌که هنرپیشه‌ها هم انسان‌هایی هستند که به اندازه‌ی همه‌ی ما - و شاید حتی بیشتر - به عشق نیاز دارند، چرا آمار طلاق باید این‌قدر بالا باشد؟

فلورنس لارنس، دختر بیوگراف، شهرت او نتیجه‌ی حقه‌ای تبلیغاتی بود: استودیو شایعه کرد او در تصادف اتومبیل از دنیا رفته و بعد گزارشی طولانی در روزنامه چاپ کرد تا اعلام کند او زنده است و فیلم جدیدش به زودی آماده می‌شود.

سال‌های نخت

صنعت فیلم در ۲۸ دسامبر ۱۸۹۵ متولد شد؛ وقتی که سی و پنج تماشاچی در کافه گراند پاریس نشستند تا فیلم کوتاهی اثر برادران لومی‌یر را ببینند. این رسانه پیشرفت عظیمی بود، اما هنرپیشه‌های تئاتر را به اندازه‌ی کافی جذب

نمی‌کرد؛ آن‌ها عقیده داشتند ظاهر شدن روی سلولوید برای‌شان کسر شأن است. هنرپیشه‌هایی که کار دیگری نمی‌توانستند پیدا کنند، قبول کردند که در اولین فیلم‌ها هنرنامی کنند، اما نمی‌خواستند اسمشان در تیتراژ بیاید. با این حال، مردم خیلی زود شیفته‌ی بازیگران شدند و به آن‌ها اسم مستعار دادند: فلورانس لارنس «دختر بیوگراف» بود چون برای استودیو بیوگراف کار می‌کرد؛ مری پیکفورد «مری کوچولو» بود، هم‌اسم کودکی که نقشش را بازی کرده بود؛ و به مکس آرونسون نام «برونکو بیلی» داده بودند، شخصیتی که چند فیلم در موردش بازی کرده بود. در ۱۹۱۱ مجله‌های فوتوپلی و موشن پیکچر استوری تأسیس شدند تا خوانندگان به ماجراهای داخلی فیلم‌های درحال‌تولید دسترسی داشته باشند و در ۱۹۱۴ لویلا پارسونز نخستین ستون شایعات هالیوودی‌اش را نوشت. این ستون‌ها چیزی را ثابت کردند که کارفرمایان سینما سعی در انکارش داشتند: این‌که مردم تشنه‌ی شنیدن اطلاعات در مورد زندگی خصوصی این هنرپیشه‌های

